



The Connection between Emotional Intelligence and Creativity among Elementary School Children in Sanandaj City

Yosra Naghipour^{1*}, Afshin Mousavi²

¹ Master of Science in Biology, Genetics, Payam Noor University, Tehran-Rey Branch, Iran

² Master of Science in Educational Psychology, Ilam Branch, Ilam, Iran

* Corresponding author: naghipour.y2020@gmail.com

Received: 2025-08-05

Accepted: 2025-09-19

Abstract

The primary stage is the most crucial period of schooling. As a result, the target group for this research was chosen from second-grade primary pupils in the city of Sanandaj, with an emphasis on the significance of two components: emotional intelligence and creativity. This study applies a correlational strategy for data collection. Additionally, we employed a survey approach to gather data for this study. The statistical population of this study includes all primary school kids in the city of Sanandaj. Using the Cochran sample size calculation, the sample size for this investigation was calculated to be 371 persons. In this investigation, the sample method used was multi-stage cluster sampling. We used the Abedi Creativity Test, a questionnaire that measures creativity, in this study. The Bar-On Emotional Intelligence Questionnaire, which measures emotional intelligence, was also employed. SPSS26 software was used to analyse the data. According to the research, the creativity scale is 76% reliable among second-grade primary school pupils in the city of Sanandaj. As a result, the creativity questionnaire used in this study of second-grade primary school pupils has a sufficient level of dependability. Furthermore, the research demonstrated that the emotional intelligence measure is 0.81 (equal to 81%) reliable when used with second-grade primary school pupils. As a result, the emotional intelligence questionnaire used in this study, which was administered to second-grade primary school pupils in the city of Sanandaj, has sufficient reliability.

Keywords: Emotional intelligence, Creativity, Student, Elementary, Sanandaj

© 2023 Journal of Mental Health in School (JMHS)



This work is published under CC BY-NC 4.0 license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Naghipour, Y & Mousavi, A. (2025). The Connection between Emotional Intelligence and Creativity among Elementary School Children in Sanandaj City *JMHS*, 3(2): 56-68.





رابطه هوش هیجانی و خلاقیت در دانش آموزان ابتدایی شهر سنندج

یسرا نقی پور^{۱*}، افشین موسوی^۲

^۱ کارشناسی ارشد زیست شناسی گرایش ژنتیک، دانشگاه پیام نور واحد تهران-ری، ایران

^۲ کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، واحد ایلام، ایلام، ایران
* نویسنده مسئول: naghypour.y2020@gmail.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۶/۲۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۵/۱۴

چکیده

با توجه به اهمیت مقطه ابتدایی که مهم ترین مقطع در آموزش و پرورش می باشد به همین لحاظ جامعه هدف در این پژوهش دانش آموزان ابتدایی دوره دوم شهر سنندج انتخاب گردیدند و به لحاظ اهمیت دو مولفه خلاقیت و هوش هیجانی هم انتخاب گردیده شد. تحقیق حاضر از لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ روش گردآوری داده ها، توصیفی از نوع همبستگی است. همچنین در این پژوهش از شیوه پیمایشی نیز برای گردآوری داده ها استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش آموزان ابتدایی شهر سنندج میباشد. حجم نمونه در این پژوهش بر اساس فرمول تعیین حجم نمونه کوکران برابر با ۳۷۱ نفر بود. روش نمونه گیری در این پژوهش به صورت خوشه ای مرحله ای بود. پرسشنامه سنجش خلاقیت که به آزمون سنجش خلاقیت عابدی مشهور است که در این تحقیق استفاده گردید و همچنین برای هوش هیجانی از پرسشنامه هوش هیجانی بار-آن تجزیه و تحلیل دادهها با استفاده از نرم افزار SPSS26 صورت گرفت. پژوهش نشان داد که میزان پایایی مقیاس خلاقیت در بین دانش آموزان مقطع ابتدایی دوره دوم شهر سنندج برابر با ۰/۷۶ (معادل ۷۶/۰ درصد) است. بنابراین، پرسشنامه خلاقیت در بین دانش آموزان مقطع ابتدایی دوره دوم در پژوهش حاضر از پایایی مناسبی برخوردار بوده است. همچنین پژوهش نشان داد که که میزان پایایی مقیاس هوش هیجانی در بین دانش آموزان مقطع ابتدایی دوره دوم برابر با ۰/۸۱ (معادل ۸۱/۰ درصد) است. بنابراین، پرسشنامه هوش هیجانی در بین دانش آموزان مقطع ابتدایی دوره دوم شهر سنندج در پژوهش حاضر از پایایی مناسبی برخوردار بوده است.

واژگان کلیدی: هوش هیجانی، خلاقیت، دانش آموزان، ابتدایی، سنندج

تمامی حقوق نشر برای فصلنامه سلامت روان در مدرسه محفوظ است.

شيوه استناد به این مقاله: نقی پور، یسرا و موسوی، افشین. (۱۴۰۴). رابطه هوش هیجانی و خلاقیت در دانش آموزان ابتدایی شهر

سنندج. فصلنامه سلامت روان در مدرسه، ۳(۲): ۵۶-۶۸.

مقدمه

وسعت و عمقی است که به خوبی "اشرف مخلوقات" را معنا میبخشد. عواملی در زندگی وجود دارند که غفلت از آنها موجب می شود افرادی که هوش بالایی دارند در زندگی موفقیت های چندانی به دست نیاورند، اما کسانی که هوش متوسطی دارند با

وقتی سخن از اشرف مخلوقات به میان می آید، تمام برتری های فکری و روحی انسان بر همه ی پیچیدگی های دیگر جهان خلقت سایه می اندازد و پرداختن به جان و روان انسان در ابعاد یادآور

- در یک عبارت کلی تر، هوش هیجانی شامل مجموعه ای از توانایی‌های شناخت، درک، توصیف هیجان‌های خود و دیگران و پردازش صحیح آنها به منظور ارائه واکنش مناسب دانست. بر این اساس مفهوم هوش هیجانی یعنی "شناخت و پردازش صحیح عواطف خود و دیگران به نحوی که بتوانیم بر پایه آن رفتاری مبتنی بر اخلاق و وجدان جمعی و معنویت داشته باشیم".

ادبیات و پیشینه تحقیق

هوش منطقی و هوش هیجانی

این دو هوش ضد یکدیگر نیستند بلکه فقط با هم تفاوت دارند (جک بلوک روان شناس دانشگاه کالیفرنیا در برکلی با استفاده از معیاری که کاملاً شبیه هشیاری عاطفی است و شامل قابلیت‌های اساسی، عاطفی و اجتماعی است که او آن را "بازگشت نفس" نامیده است، به مقایسه دو تیپ خالص تئوریک، یعنی افرادی که دارای بهره هوشی بالا و افرادی که دارای استعدادهای عاطفی پر قدرتی هستند، پرداخته و تفاوت‌های آنها را مورد بررسی قرار داده است. فردی که فقط بهره هوشی او بالاست (یعنی فاقد هشیاری عاطفی است) تقریباً کاریکاتوری از یک آدم خردمند است، وی در قلمرو ذهن چیره دست ولی در دنیای شخصی خویش ضعیف است. این امر در مورد زنان و مردان کمی تفاوت دارد، مردانی که دارای بهره هوشی بالایی هستند از روی علایق و توانایی‌های گسترده عقلانی شان - نه احساس - مورد شناسایی قرار می‌گیرند. آنها آدم هایی جاه طلب، سودمند، قابل پیش بینی، لجوج، انتقادگر، فروتن، نازک نارنجی و کمرو هستند که از نظر احساس سرد و بی عاطفه اند. برعکس مردهایی که از نظر هوش عاطفی قوی هستند، از نظر اجتماعی متعادل، شاد و سرزنده اند، هیچ گرایشی به ترس یا نگرانی ندارند آنها ظرفیت چشمگیری برای تمهد و سرسپردگی به مردم یا اهداف خود، پذیرش مسئولیت و قبول چارچوب اخلاقی دارند، آنها در روابط خود با دیگران بسیار دلسوز و با ملاحظه اند و از زندگی عاطفی غنی، سرشار و متناسبی برخوردارند، آنها با خود، دیگران و دنیای اجتماعی اطراف خود خیلی راحت هستند. زن هایی که فقط از بهره هوشی بالا برخوردار هستند از اعتماد به نفس خوبی برخوردار بوده و در بیان موضوعات عقلانی ارزشمند و اندیشه‌های خود فصاحت کافی دارند و دارای علایق زیباشناسانه و روشنفکرانه زیادی هستند. آنها افرادی درون گرا، مستعد نگرانی، فکر، خیال و گناه هستند و برای ابراز خشم خود تامل می‌کنند، اگرچه آن را به طور غیرمستقیم نشان می‌دهند، برعکس، زن هایی که از نظر هوش عاطفی قوی هستند دوست دارند احساسات خود را به طور

برخورداری از آن عوامل، در مسیر موفقیت قرار می‌گیرند. این عوامل جنبه ی دیگری از هوشمندی هستند که گلن آن را "هوش هیجانی" می‌خواند و هر گونه نقص در هوش هیجانی را باعث صدماتی جبران ناپذیر در زندگی زناشویی، تربیت فرزند و حتی وضعیت سلامت جسمی می‌داند، شناسایی هیجان‌ات موجب کسب آگاهی نسبت به آنها شده و زمینه درک صحیح هیجان‌ات دیگران را فراهم می‌نماید، کاربرد هیجان‌ات، توانایی استفاده از هیجان‌ات در جهت کمک به کسب نتایج مطلوب، حل مسائل و استفاده از فرصت‌ها می‌باشد. کاربرد هیجان‌ات موجب تولید عقاید تازه و بروز یک احساس قوی می‌شود یا تقویت روحیه همکاری گروهی را فراهم می‌آورد. مدیریت هیجان‌ات، اداره کردن هیجان‌ات در خود و دیگران می‌باشد. مدیریت هیجان‌ات به ما اجازه می‌دهد تا هیجان‌ات خود را بپذیریم و از اطلاعات ارزشمند به دست آمده از آنها به صورت سازنده ای استفاده کنیم. در برخورد با یک موقعیت شغلی در شرایط کار می‌توان واکنش‌های زیادی را از جمله انکار احساسات، فرار از مشکلات، تأیید حالت کلی موفقیت بدون تأیید جریان آن، بکارگیری هیجان‌ات جهت حل مسائل و هماهنگ ساختن هیجان و تفکر در نظر گرفت. مدیریت هیجان‌ات برای ما این امکان را فراهم می‌نماید تا بتوان عکس العمل مناسبی در رویارویی با هیجان‌ات در سازمان ارائه داد. به طور کلی نحوه مدیریت هیجان‌ات در محیط کار می‌تواند تأثیر زیادی بر عملکرد و رضایت شغلی افراد داشته باشد (سیادت، ۱۳۸۴).

بیان مساله

تعاریف هوش هیجانی

ذهن آدمی دارای سه حالت شناخت، هیجان و انگیزش است که به وسیله آن می‌توانیم خودمان و محیط اطرافمان را مورد مشاهده و بررسی قرار دهیم. هوش هیجانی را باید ترکیبی از دو حالت شناخت و هیجان دانست. هوش هیجانی برنامه‌های فوری برای حفظ زندگی است که تکامل در وجود ما به تدریج به ودیعه گذارده است.

- بعنوان یکی از اولین تعاریفی که منتهی به خلق مفهوم هوش هیجانی شد می‌توان به تعریفی که ای. ال. ثرنندایک در رابطه با هوش اجتماعی در مقاله ای در روزنامه هارپر ارائه داد اشاره کرد: هوش اجتماعی توانایی درک حالات درونی دیگران و عملکرد پهنه بر اساس اطلاعات کسب شده می‌باشد (گلن، ۱۳۸۳).

- گاردنر در تعریف خود از هوش درون فردی به ایجاد الگوی دقیق و عینی از خویشتن و استفاده از آن در جهت عمل موثر و کارآمد در زندگی و دستیابی به زندگی احساسی خویشتن و تمایز میان هیجان‌ها جهت فهم و هدایت رفتار خود اشاره می‌کند (Bar-on, 2000).

اساساً مستقل اند (ذاکری دهنوی نژاد، ۱۳۸۸).

مؤلفه‌های هوش هیجانی

Goleman, Boyatzis & McKee (2002) اجزای هوش

هیجانی را به شرح زیر بیان کرده اند:

۱) خودآگاهی: خودآگاهی یا تشخیص احساس در همان زمان که در حال وقوع است، بخش مهم و کلیدی هوش هیجانی را تشکیل می‌دهد. توانایی کنترل و اداره لحظه به لحظه احساس‌ها نشان از درک خویشتن و بصیرت روان شناسانه دارد. مدیران و رهبرانی که درجه ای بالا از خود آگاهی دارند، با خود و دیگران صادق هستند و می‌دانند که چگونه احساس هایشان بر آنها، سایر مردم و عملکرد شغلی شان تاثیر می‌گذارد. آنها با یک احساس قوی از خودآگاهی، با اعتماد به نفس و در استفاده از قابلیت هایشان کوشا هستند و می‌دانند چه وقت درخواست کمک کنند.

۲) خودنظم دهی: کنترل و اداره احساسات مهارتی است که بر پایه خود آگاهی شکل می‌گیرد. مدیران و رهبران قادرند محیطی از اعتماد و انصاف خلق کنند. عامل خود نظم دهی به دلایل رقابتی بسیار مهم است، زیرا در محیطی که سازمان‌ها مستهلک می‌شوند و فناوری کار با سرعتی گیج کننده تغییر شکل می‌یابد. فقط افرادی که بر هیجان هایشان تسلط یافته اند، قادر به انطباق با این تغییرها هستند.

۳) انگیزش: هدایت احساس‌ها در جهت هدف خاص برای تمرکز توجه و ایجاد انگیزه در خود بسیار مهم است. کنترل احساس‌ها زمینه ساز هر نوع مهارت و موفقیت است و کسانی که قادرند احساس‌های خود را به موقع برانگیزانند، در هر کاری که به آنان واگذار شود، سعی می‌کنند مولد و موثر باشند. رهبران با انگیزه برای رسیدن به ماورای انتظارات خود و هرکس دیگر حرکت می‌کنند. کلید واژه این رهبران، پیشرفت است. رهبرانی که بالقوه رهبر هستند، میل به پیشرفت در آنها درونی شده و برای رسیدن به پیشرفت برانگیخته می‌شوند. شور، اولین علامت رهبران با انگیزه است که به وسیله آن عشق به یادگیری دارند، به انجام شغل خوب مبادرت می‌کنند و یک انرژی خستگی ناپذیر برای بهتر انجام دادن کارها نشان می‌دهند. تعهد سازمانی علامت دیگر است. وقتی افراد شغلشان را برای خودش دوست دارند. به سازمانی که در آن مشغول بکارند، احساس تعهد می‌کنند و به طور قابل ملاحظه ای موقعی که علایم بر ضد آنهاست، خوشبین باقی می‌مانند.

۴) همدلی: توانایی دیگری که براساس خودآگاهی هیجانی شکل می‌گیرد، همدلی با دیگران است که نوعی مهارت مردمی محسوب می‌شود. رهبران همدل سعی می‌کنند همه را راضی

مستقیم بیان کنند و راجع به خود مثبت فکر می‌کنند و زندگی برای آنها معنا دارد، آنها همچون مردان هممنوع خود آدم هایی اجتماعی و گروه گرا هستند، احساسات خود را به گونه ای مناسب ابراز می‌کنند و به خوبی از عهده فشارهای روانی برمی آیند، توازن اجتماعی آنها، باعث می‌شود تا به آسانی با آدم‌های جدید کنار بیایند، با خود راحت هستند، شاد و آسوده خیال بوده و همواره پذیرای تجارب احساسی و هیجانی هستند، آنها برخلاف زن‌های با بهره هوشی بالا از نوع خالص، به ندرت احساس نگرانی و گناه می‌کنند و کمتر غرق در اندیشه می‌شوند.

هوش هیجانی و هوش بهر

طی تحقیقاتی که توسط الیس بر روی ۹۵ دانشجوی دانشگاه هاروارد انجام شد مشخص کرد که افرادی که در تست هوش هیجانی نمره بالاتری کسب می‌کنند ضرورتاً افراد موفق تری نسبت به کسانی که نمره پایین تری در تست هوش آورده اند نیستند. آنها حقوق بالاتری نمی‌گیرند، سمت شغلی بالاتری ندارند و همچنین رضایت بیشتری از زندگی ندارند. نتایج تحقیقات الیس همچنان نشان داد که موفقیت تحصیلی و هوش بالا پیش بینی کننده موفقیت عاطفی آنها در زندگی نیست. هوش هیجانی از چند طریق پیش بینی کننده موفقیت عاطفی فرد است. او چند شاخص برای هوش هیجانی در نظر گرفته است: احترام به خود، اعتماد به خود، مثبت بودن، خودآگاهی عاطفی و خودشکوفایی و استقلال و همدلی.

هوش هیجانی و هوش عمومی

طبق تحقیقات Daniel Goleman در بهترین شرایط همبستگی اندکی ۱۷/۱ بین هوش عمومی و برخی از ابعاد هوش هیجانی وجود دارد بطوریکه می‌توان ادعا کرد آنها عمدتاً ماهیت مستقل دارند. وقتی افراد دارای هوش عمومی بالا در زندگی تقلا می‌کنند و افراد دارای هوش متوسط به طور شگفت آوری پیشرفت می‌کنند، شاید بتوان آن را به هوش هیجانی بالای آنان نسبت داد. هوش عمومی به ما می‌گوید که چه کار می‌توانیم انجام دهیم، در حالی که هوش هیجانی به ما می‌گوید که چه کاری باید انجام دهیم. هوش عمومی شامل: توانایی ما برای یادگیری، تفکر منطقی و انتزاعی می‌شود، در حالیکه هوش هیجانی به ما می‌گوید که چگونه از هوش عمومی در جهت موفقیت در زندگی استفاده کنیم. هوش هیجانی و هوش عمومی توانایی‌های متفاوتی نیستند بلکه بهتر است چنین بیان نمود که از یکدیگر متفاوت هستند. همه ما ترکیبی از هوش هیجانی داریم، در واقع بین هوش عمومی و برخی از جنبه‌های هوش هیجانی همبستگی پایینی وجود دارد و باید گفت: این دو قلمرو

۳) خود آگاهی: شامل مشاهده در شناخت احساسات خود و یافتن واژگانی مناسب برای بیان احساسات و راه‌های رسیدگی به خودآگاهی است.

۴) خویشتن پذیری: از جمله عاملی که موجبات شکل‌گیری هوش هیجانی و رشد آن را فراهم می‌کند، زیرا ما با شناخت نقاط قوت و ضعف خود از ناحیه مثبت به خود نگرسته و خود را بپذیریم و علاوه بر آن مسئولیت احتمالی تصمیمات و اعمال خود را قبول کنیم.

۵) بینش‌یابی شناخت الگوهای موجود و مشاهده الگوها از جمله والدین در زندگی به واکنش‌های هیجانی خود و دیگران و رشد هوش هیجانی کمک می‌کند.

۶) آموزش مهارت‌های اجتماعی: استفاده از مهارت‌هایی مانند گوش دادن به دیگران بیان احساسات و علائق و نظرات شخصی استفاده از روش حل مسئله در زمان مواجهه با تعارض موجب پیشرفت و شکل‌گیری در مهارت‌های اجتماعی که زمینه ساز شکل‌گیری هوش هیجانی است.

۷) تقویت خوش بینی: یعنی اعتقاد و امیدواری به بروز نتایج مثبت و ترکیب نیرومندی از تفکر و احساسات ماست و باعث احساس کفایت و برخورد‌های سازنده افزایش سطح عملکرد و تسهیل رفتار هوشمندانه می‌شود و خوش بینی یک تسهیل کننده و تقویت کننده هوش هیجانی است و توانایی واقعی این سازه خوش بینی رفتار هوشمندانه را تسهیل می‌کند و جز عوامل فردی در رشد هوش هیجانی است.

۸) تجزیه و تحلیل: بیش از شناخت دقیق هیجانات، فرد باید عوامل به وجودآورنده، چگونگی و چرایی هیجانات را در شرایط مختلف تجزیه و تحلیل کند، این کار موجب درک و شناخت بهتر فرد از خود و ارتباط او با محیط می‌شود که موجب تنظیم هیجانات می‌شود و به آن سواد هیجانی می‌گویند (گلمن، ۱۳۸۹). عدم توانایی در تشخیص دقیق هیجانات ممکن است به خاطر مشارکت ضعیف در ارتباط اجتماعی باشد.

Salowi توصیف مبنایی خود را از هوش هیجانی بر اساس نظریات گاردنر در مورد استعداد‌های فردی، قرار می‌دهد و این توانایی‌ها را به پنج حیطه اصلی بسط می‌دهد:

۹) شناخت عواطف شخصی: خودآگاهی - تشخیص هر احساس به همان صورتی که بروز می‌کند. سنگ بنای هوش هیجانی است. توانایی نظارت بر احساسات در هر لحظه برای به دست آوردن بینش روان شناختی و ادراک خویشتن، نقشی تعیین کننده دارد. ناتوانی در تشخیص احساسات واقعی ما را به سردرگمی دچار می‌کند. افرادی که نسبت به احساسات خود اطمینان بیشتری دارند بهتر می‌توانند زندگی خویش را هدایت کنند این افراد درباره احساسات واقعی خود در زمینه اتخاذ

کنند. آنها با ملاحظه و فکر، احساس‌های کارکنان را همراه با سایر عوامل در تصمیم‌گیری‌ها در نظر می‌گیرند. امروزه همدلی به عنوان جزئی از رهبری بسیار مهم است، رهبران همدل بیشترین همدردی را با افراد اطرافشان نشان می‌دهند. آنها دانش خود را برای پیشرفت سازمانشان به روش‌های ظریف اما با اهمیت استفاده می‌کنند.

۵) مهارت‌های اجتماعی یا تنظیم روابط با دیگران: هنر ارتباط با مردم به مقدار زیاد، مهارت کنترل و اداره احساس‌های دیگران است. این مهارت نوعی توانایی است که محبوبیت، قوه رهبری و نفوذ شخصی را تقویت می‌کند. رهبران دارای سطوح بالای توانایی‌های هیجانی می‌باشند، اغلب با روحیه هستند. افراد ماهر از نظر اجتماعی به حوزه وسیعی از آشنایی‌ها و همچنین مهارت‌ها برای ایجاد رابطه تمایل دارند. این افراد در مدیریت گروه‌ها ماهر هستند. مهارت‌های اجتماعی می‌تواند به عنوان کلید قابلیت‌های رهبری در اکثر سازمان‌ها در نظر گرفته شود، زیرا وظیفه رهبر انجام کار از طریق دیگر افراد است. در این راستا رهبران به مدیریت موثر روابط نیاز دارند و مهارت‌های اجتماعی آن را ممکن می‌سازد (ذاکری دهنوسطی نژاد، ۱۳۸۸).

عوامل موثر در هوش هیجانی

تحقیقات نشان می‌دهد که مناطق پری فرونتال در مغز که موجب مهار و تعدیل هیجانی می‌شود، آخرین قسمت‌های مغز هستند که به بلوغ آناتومی می‌رسند. این قسمت در اثر تجارب مکرر و یادگیری‌های منفرد به شکل کامل خود می‌رسد. برخی تجارب ارتباطات عصبی خاص را تقویت و برخی را که کمتر استفاده کرده ضعیف تر می‌نمایند. یافته‌های مربوط به رشد و پرورش مناطق پری فرونتال نشانه تاثیر یادگیری و آموزش در میزان هوش هیجانی است. عوامل بسیاری در شکل‌گیری و تقویت هوش هیجانی موثرند که به اختصار به بیان آنها می‌پردازیم:

۱) خود تنظیمی هیجانی: از جمله عوامل مهم و موثر در شکل‌گیری و رشد هوش هیجانی است. بدین شکل که توانایی فکر کردن به هیجانات و تنظیم آن‌ها خود تنظیمی هیجانی است و صحبت کردن راجع به هیجانات یا حتی نوشتن وسیله‌ی مناسبی جهت خود تنظیمی هیجانی است. ارائه تجارب هیجانی به صورت صحبت یا نوشتن به سلامت جسمی و روانی کمک می‌کند.

۲) محیط: محیطی که محرک‌های حسی متفاوت و متعددی داشته باشد، باعث تحریک بخش‌های مختلف مغز و تقویت آن می‌شود و باعث بکارگیری ظرفیت‌ها و استعداد‌های متفاوت در کودک شده و او را در فعالیت‌ها و مسائل کمک می‌کنند و زمینه‌ی یادگیری او را فراهم می‌کند.

تصمیمات شخصی از انتخاب همسر آینده گرفته تا شغلی که بر می‌گزینند احساس اطمینان بیشتری دارند.

۱۰) به کار بردن درست هیجان‌ها: قدرت تنظیم احساسات خود، توانایی و مهارت عاطفی است که بر حس خودآگاهی متکی می‌باشد و شامل ظرفیت شخص برای تسکین دادن خود، دور کردن اضطراب‌ها، افسردگی‌ها، بی‌حوصلگی‌های متداول و پیامدهای شکست است. افرادی که به لحاظ این توانایی‌ها ضعیف‌اند، به طور دائم با احساس نومییدی و افسردگی دست به‌گریباندند، در حالیکه افرادی که در آن مهارت زیادی دارند، با سرعت بسیار بیشتری می‌توانند نامالایمات زندگی را پشت سر بگذارند.

۱۱) برانگیختن خود: برای جلب توجه، برانگیختن شخصی، تسلط بر نفس خود و برای خلاق بودن لازم است سکان رهبری هیجان‌ها را در دست بگیرید تا بتوانید به هدف خود دست یابید. خویشتن داری عاطفی به تاخیر انداختن کامرواسازی و فرونشاندن تکانش‌ها- زیر بنای تحقق هر پیشرفتی است توانایی دست‌یابی به مرحله غرق شدن در کار، انجام هر نوع فعالیت چشمگیر را میسر می‌گرداند. افراد دارای این مهارت در هر کاری که بر عهده می‌گیرند بسیار مولد و اثر بخش خواهند بود.

۱۲) شناخت عواطف دیگران: همدلی، توانایی دیگری که بر خود آگاهی عاطفی متکی است "مهارت ارتباط با مردم" است. افرادی که از همدلی بیشتری برخوردار باشند، به علائم اجتماعی ظرفی که نشان دهنده نیازها با خواسته‌های دیگران است توجه بیشتری نشان می‌دهند. این توانایی آنان را در حرفه‌هایی که مستلزم مراقبت از دیگرانند، تدریس، فروش و مدیریت موفق تر می‌سازد.

۱۳) حفظ ارتباط‌ها: بخش عمده‌ای از هنر برقراری ارتباط، مهارت کنترل عواطف در دیگران است، مانند صلاحیت یا عدم صلاحیت اجتماعی و مهارت‌های خاص لازم برای آن، اینها توانایی‌های هستند که محبوبیت رهبری و اثربخشی بین فردی را تقویت می‌کنند. افرادی که در این مهارت‌ها توانایی زیادی دارند، در هر آنچه که به کنش متقابل آرام با دیگران باز می‌گردد به خوبی عمل می‌کنند. آن‌ها ستاره‌های اجتماعی هستند.

نظریه‌ها و رویکردهای هوش هیجانی

طبقه بندی بارون از رویکرد ترکیبی

طبق نظر بارون هوش هیجانی دارای پنج زیر مجموعه است که عبارتند از:

- هوش هیجانی درون فردی که خودآگاهی، خودکنترلی، خودشناسی و نیز عدم وابستگی را در بر می‌گیرد.
- هوش هیجانی بین فردی شامل همدلی، روابط بین فردی و مسئولیت اجتماعی می‌باشد.
- هوش هیجانی سازگاران که فرایند حل مسأله و رویارویی با

موقعیت‌های واقعی را در بر دارد.

- هوش هیجانی مدیریت استرس که شامل تحمل استرس و کنترل ضربات در زندگی می‌باشد.
- هوش هیجانی خلق عمومی که خوش بینی و شاد بودن را لحاظ می‌نماید (به نقل از ذاکری ده وسطی نژاد، ۱۳۸۸).

مدل هوش هیجانی گلن

این مدل در سال ۱۹۹۵ توسط Goleman مطرح شد و بعدها به صورت پرسشنامه شایستگی هیجانی انتشار یافت. این پرسشنامه که هم به صورت نسخه خود-گزارشی و هم به صورت نسخه درجه بندی توسط کار تهیه شده است. با همکاری پروفیسور ریچارد بویاتزیس، روانشناس سازمانی دانشگاه کیس وسترن ریز (Case Western Reese) تدوین شد. این پرسشنامه برای ارزیابی شایستگی هوش هیجانی که برای عملکرد قابل ملاحظه در امور بازرگانی ضرورت دارد ساخته شده است. در این پرسشنامه شایستگی‌های ضروری برای خود آگاهی، آگاهی اجتماعی مدیریت خود و مهارت‌های اجتماعی مطرح شده است. شایستگی‌های خود-آگاهی هیجانی، خود سنجی دقیق و اعتماد به نفس است. شایستگی‌های آگاهی اجتماعی شامل همدلی، آگاهی سازمانی و خدمت گرایی است. شایستگی‌های اساسی برای مدیریت خود، عبارتند از خویشتن داری، اعتماد، وجدان، انطباق پذیری، پیشرفت مداری و ابتکار. شایستگی‌های لازم برای مهارت‌های اجتماعی شامل رشد دادن و پرورش دیگران، رهبری، نفوذ ارتباط، میانجی‌تعبیر، مدیریت تعارض و کارهای گروهی است.

مدیریت هیجانی

توانایی نظم دهی هیجان‌ها، بازبودن نسبت به تجربه کردن هیجان‌ها و کنترل روش‌های بروز آنهاست. کسی که از توانایی مدیریت هیجانی رشد یافته برخوردار است می‌تواند هیجان‌ها را به طور ارادی تجربه کند و یا از آن چشم‌پوشد.

قابلیت‌های فنون هوش هیجانی بر پایه نظریه‌های

مشترک سالووی و مایر (۱۹۹۰)

Salovey & Mayer (1990)، در رساله خود هوش هیجانی را نوعی از هوش توصیف کردند که توجه به احساسات و هیجان‌های خود و دیگران، فرق گذاشتن بین آنها و استفاده از این اطلاعات برای راهنمایی افکار و اعمال فرد را شامل می‌شود. نظریه سالووی و مایر بر این باور استوار بود که تعداد کمی از مهارت‌های ویژه وجود دارد که در همه آنها یا دقت مهم است یا کارایی (اثر بخشی). دقت در شناخت و درک حالات هیجانی خود و دیگران کارایی در تنظیم، کنترل و استفاده از

هیجانان در رسیدن به اهداف مهم هستند.

تحقیقات انجام شده در خارج کشور

پژوهش (Zinn (2022) با عنوان هوش هیجانی: نقش میانجی نگرش کارکنان بین خلاقیت و هوش هیجانی یافته‌ها نشان می‌دهد که بین هوش هیجانی با خلاقیت رابطه مثبت معنادار وجود دارد همچنین نگرش کارکنان نقش میانجی بین هوش هیجانی و خلاقیت را ایفا می‌کند.

پژوهش (Gallardo, Hermawan & Siswanto (2020) با عنوان هوش هیجانی چگونه شادی، خوش بینی و بدبینی را در نوجوانی پیش بینی می‌کند؟ بررسی رابطه از مدل دو عاملی نتایج نشان داد که مدل هوش هیجانی دو عاملی با یک عامل الکترونیکی (عامل هوش هیجانی عمومی) و سه بعد عاطفی (توجه عاطفی، وضوح هیجانی و تنظیم هیجانی) بهترین ساختار مناسب را در نوجوانی نشان می‌دهد. قابل توجه تر، نتایج نشان می‌دهد که هوش هیجانی عمومی و تنظیم هیجانی به طور مثبت شادی و خوش بینی را پیش بینی می‌کند، در حالی که توجه عاطفی به طور مثبت تری پیش بینی می‌کند. بدبینی و شادی منفی این نتایج اهمیت اندازه‌گیری هوش هیجانی را در مطالعه پیامدهای مرتبط که در دوره نوجوانی مرتبط تلقی می‌شوند، برجسته می‌کند. از این رو، نقش ویژه ابعاد هوش هیجانی هنگام تبیین رابطه هوش هیجانی با شادی، خوش بینی و بدبینی مهم است. در مطالعه Aserina, Hermawan and Siswanto (2020) در زمینه تأثیر هوش معنوی و هوش هیجانی از طریق خلاقیت بر قصد کارآفرینی در دانش آموزان مشخص شد که هوش معنوی و هوش هیجانی بر قصد کارآفرینی از طریق خلاقیت تأثیر مستقیم دارد و همچنین هوش معنوی و هوش هیجانی نسبت به قصد کارآفرینی از طریق خلاقیت تأثیر غیرمستقیم دارد.

اهداف پژوهش

هدف کلی

بررسی رابطه هوش هیجانی و خلاقیت در دانش آموزان ابتدایی دوره دوم شهر سنج

فرضیه یا فرضیه های تحقیق

فرضیه اصلی

بین هوش هیجانی و خلاقیت در دانش آموزان ابتدایی دوره دوم شهر سنج رابطه معنادار وجود دارد.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ روش گردآوری داده ها، توصیفی از نوع همبستگی است. همچنین در این

(۱) قابلیت هیجانی

متشکل از ظرفیت واکنش یا پاسخ مناسب به محرک‌های هیجانی در شرایط مختلف، داشتن حس خوش بینی، اعتماد به نفس بالا، کنترل هیجانان ناگوار مانند ناکامی، تعارض ها، عقده‌های پیچیده، هیجانان شادی بخش، توانایی برقراری ارتباط با دیگران، خود کنترلی هیجانی، ظرفیت جلوگیری از سرکوب هیجانان مانند: فشار روانی، درماندگی، پرهیز از بروز هیجانان منفی، کنترل غرور بی جا و خودپسندی‌ها و انجام آنچه که منجر به موفقیت می‌شود

(۲) بلوغ هیجانی

متشکل از ارزیابی هیجانان خودمان و دیگران، شناسایی و ابراز احساسات، تعادل میان عقل و دل یا به عبارتی منطقی و عاطفه، انعطاف و تطبیق پذیری، پذیرش و تحسین عقاید دیگران، به تأخیر انداختن رضایت‌های روانی آنی یا به عبارتی از واکنش هایی که حاکی از رضایت مندی سریع روانی است جلوگیری می‌کند.

(۳) حساسیت هیجانی

متشکل از شناخت ایجاد آستانه برانگیختگی هیجانی و مدیریت بی واسطه محیط، حفظ تفاهم با دیگران، آرامش دادن به دیگران که زمینه ساز روابط نزدیک عاطفی و احساسی در سازمان می‌شود. همچنین همدلی و امین بودن در رفتارهای بین فردی و دریافت پیام از نشانه‌های هیجانی، خلق و خوی، احساسات و دیدگاهی که بگوید دیگران چه ارزیابی ای از ما دارند. بنابراین هوش هیجانی متشکل از سه بعد روان شناختی قابلیت‌های هیجانی، بلوغ هیجانی و حساسیت هیجانی است که موجب می‌شود شناخت واقعی تفسیر صادقانه؛ کنترل مدبرانه و رفتارهای پویای انسانی داشته باشیم. افرادی که دارای هوش هیجانی بالا هستند به علائم و نشانه‌های غیر کلامی توجه زیادی دارند، به حرف‌های مخاطب به خوبی گوش فرا می‌دهند در نتیجه قادرند ارتباط بهتری برقرار کنند. آنان به احساسات افراد باهوش هیجانی بالا از وجدان اجتماعی رشد یافته برخوردارند. آنان وقتی اهدافی را دنبال می‌کنند فقط به منافع شخصی توجه نمی‌کنند، بلکه پیامدهای آن را در رابطه با دیگران مد نظر قرار می‌دهند در نتیجه قادرند عوامل درونی و بیرونی را در اختیار بگیرند.

پژوهش از شیوه پیمایشی نیز برای گردآوری داده ها استفاده شده است.

جامعه آماری تحقیق

جامعه آماری در هر تحقیق عبارتند از همه اعضای واقعی که علاقمند هستیم یافته‌های پژوهش را به آنها تعمیم دهیم. جامعه آماری عبارت است از مجموعه ای از افراد یا واحدها که دارای حداقل یک صفت مشترک باشند معمولاً در هر پژوهش جامعه مورد بررسی یک جامعه آماری است که پژوهشگر مایل است که درباره صفت متغیر و واحدهای آن به مطالعه پردازد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش آموزان ابتدایی دوره دوم شهر سنجندج می باشد که به طور نمونه انتخاب گردید.

جدول ۱: جامعه آماری پژوهش

پایه تحصیلی	دختر	پسر
چهارم	۱۷۴۲	۱۴۵۳
پنجم	۱۹۳۲	۱۶۰۸
ششم	۲۱۰۷	۱۸۸۷
جمع	۵۷۸۱	۴۹۴۸

تعیین حجم نمونه پژوهش

فرمول کوکران در این حالت برابر است با:

$$n = \frac{Nz^2pq}{Nd^2 + z^2pq}$$

N: حجم جامعه:

$$z = 1/96$$

$$p = q = 0/5$$

مقدار اشتباه مجاز (مقدار خطا): d

حجم نمونه در این پژوهش بر اساس فرمول تعیین حجم نمونه کوکران برابر با ۳۷۱ نفر بود.

روش نمونه گیری پژوهش

روش نمونه گیری در این پژوهش به صورت خوشه ای مرحله ای بود. بدین ترتیب که از بین ۲۹ مدرسه پسرانه و ۳۲ مدرسه دخترانه ۵ مدرسه پسرانه و ۵ مدرسه دخترانه انتخاب شد. از هر پایه تحصیلی ۱ کلاس انتخاب و از هر کلاس بر اساس لیست حضور و غیاب نیمی از دانش آموزان به عنوان نمونه انتخاب شدند.

ابزار پژوهش

از متداولترین روش جمع آوری اطلاعات استفاده از پرسشنامه

است که از طریق طرح تعدادی سوال اطلاعات مورد لزوم از گروه پاسخگو دریافت می‌شود و در طرح و تنظیم پرسشنامه بسته به اینکه چه نوع اطلاعاتی مورد نیاز است و از چه افرادی اطلاعات کسب می‌شود و آیا افراد مورد مطالعه قادر به پاسخگویی به سوالات هستند یا خیر، طرحها و انواع مختلف پرسشنامه به کار می‌رود. پرسشنامه ای که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است پرسشنامه‌های استاندارد می‌باشد.

۱- پرسشنامه خلاقیت

پرسشنامه سنجش خلاقیت که به آزمون سنجش خلاقیت عابدی مشهور است بر اساس نظریه تورنس درباره خلاقیت به وسیله عابدی در سال (۱۳۶۳) در تهران ساخته شده است. این پرسشنامه چندین بار مورد تجدید نظر قرار گرفت و در نهایت فرم ۶۰ سوالی آن در دانشگاه کالیفرنیا به وسیله عابدی تدوین گردید. این آزمون ۶۰ سؤال سه گزینه ای دارد که از چهار خرده آزمون سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف‌پذیری تشکیل شده است. گزینه ها نشان دهنده میزان خلاقیت پایین، متوسط و بالا می‌باشند که نمره یک برای خلاقیت پایین، نمره دو برای خلاقیت متوسط و نمره سه برای خلاقیت بالا در نظر گرفته شده است. همانطور که ذکر شد این پرسشنامه شامل ۶۰ سوال است و هر سوال نیز سه گزینه دارد. گزینه‌ها نشان دهنده میزان خلاقیت از کم به زیاد است و به ترتیب نمره ای از ۱ تا ۳ می‌گیرند. مجموع نمرات کسب شده در هر خرده آزمون، نمایانگر نمره آزمودنی در آن بخش است و مجموع نمرات آزمودنی در چهار خرده آزمون (سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف‌پذیری)، نمره کلی و خلاقیت او را نشان می‌دهد. دامنه نمره کل خلاقیت هر آزمودنی بین ۶۰ و ۱۸۰ خواهد بود. سؤال-های یک تا ۲۲ به سیالی، ۲۳ تا ۳۳ به بسط، ۳۴ تا ۴۹ به ابتکار و ۵۰ تا ۶۰ به انعطاف‌پذیری مربوط است. این نمره‌ها در چهار گروه جمع می‌شوند هر چه فرد در این پرسشنامه نمره بالاتری بگیرد دارای خلاقیت بیشتری است.

روایی و پایایی پرسشنامه

پایایی آزمون خلاقیت عابدی، از طریق آزمون مجدد دانش‌آموزان مدارس راهنمایی تهران در سال ۱۳۶۳ در چهار بخش آزمون به این ترتیب به دست آمد: ضریب پایایی بخش سیالی ۰/۸۵، ابتکار ۰/۸۲، انعطاف‌پذیری ۰/۸۴ و بسط ۰/۸۰ (عابدی، ۱۳۷۲).

در پژوهش حاضر میزان پایایی پرسشنامه خلاقیت عابدی در بین دانش آموزان ابتدایی دوره دوم شهر سنجندج با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به صورت جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: نتایج پایایی مقیاس خلاقیت در بین دانش آموزان مقطع ابتدایی دوره دوم شهر سنندج

متغیر	تعداد گویه‌ها	پایایی	میزان مطلوب	نتیجه
خلاقیت	۶۰	۰/۷۶	بیشتر از ۰/۷۰	تأیید

۱۵ سوال می‌باشد که از (۱ تا ۵) نمره می‌گیرند.

روایی و پایایی

ضریب آلفای کرونباخ برای فرم اصلی برابر با ۰/۷۶ و ضریب باز آزمایشی آن پس از یک ماه برابر با ۰/۸۵ و پس از چهار ماه برابر با ۰/۷۵ گزارش شده است (بار-آن، براون، کرک کالدی و تام، ۲۰۰۰). اعتبار فرم کوتاه آن نیز در دامنه ۰/۷۶ تا ۰/۹۳ برآورد شده است. برای نسخه فارسی ضریب آلفای کرونباخ و دو نیمه سازی به ترتیب برابر با ۹۳/۹۳ و ۰/۸۸ (سموعی، ۱۳۸۰) و در پژوهش دیگری ضریب آلفا برابر با ۰/۷۰ و باز آزمایشی بافاصله یک ماه برابر با ۰/۷۶ گزارش شده‌اند.

در پژوهش حاضر میزان پایایی پرسشنامه هوش هیجانی بار آن در بین دانش آموزان مقطع ابتدایی دوره دوم با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به صورت جدول (۳) ارائه شده است.

جدول ۲ نشان می‌دهد که میزان پایایی مقیاس خلاقیت در بین دانش آموزان دوره دوم شهر سنندج برابر با ۰/۷۶ (معادل ۷۶/۰ درصد) است. بنابراین، پرسشنامه خلاقیت در بین دانش آموزان مقطع ابتدایی دوره دوم شهر سنندج در پژوهش حاضر از پایایی مناسبی برخوردار بوده است.

۲- پرسشنامه هوش هیجانی

پرسشنامه هوش هیجانی بار-آن (۱۹۹۷) یک مقیاس خود گزارش دهی است که نسخه اصلی آن با ۱۳۳ گویه به صورت فردی و گروهی قابل اجرا است. و در مقیاس پنج‌درجه‌ای "کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم" نمره‌گذاری می‌شود. نسخه فارسی آن با ۹۰ گویه در جامعه دانشگاهی ایران هنجار شده است (سموعی، ۱۳۸۰). در این مقیاس کسب نمره بیشتر نشان‌دهنده هوش هیجانی بالاتر است. این پرسشنامه شامل پنج عامل (درون فردی، بین فردی، سازش‌پذیری، مدیریت تنیدگی، خلق عمومی) که هر کدام دارای

جدول ۳: نتایج پایایی مقیاس هوش هیجانی در بین دانش آموزان مقطع ابتدایی دوره دوم شهر سنندج

متغیر	تعداد گویه‌ها	پایایی	میزان مطلوب	نتیجه
هوش هیجانی	۹۰	۰/۸۱	بیشتر از ۰/۷۰	تأیید

و استنباطی استفاده می‌شود. از آمار توصیفی، برای توصیف ویژگی‌های جمعیت شناختی و برای بررسی آزمون فرضیات پژوهش از روش بارون و کنی و بوت استرپ استفاده می‌شود. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS₂₆ صورت گرفت.

به منظور شناخت بهتر ماهیت جامعه‌ای که در پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته است و آشنایی بیشتر با متغیرهای پژوهش، قبل از تجزیه و تحلیل داده‌های آماری، لازم است این داده‌ها توصیف شود. همچنین توصیف آماری داده‌ها، گامی در جهت تشخیص الگوی حاکم بر آن‌ها و پایه‌ای برای تبیین روابط بین متغیرهایی است که در پژوهش به کار می‌رود. با توجه به نتایج بخش اول پرسشنامه (ویژگی‌های جمعیت شناختی)، اطلاعات زیر به طور خلاصه در مورد مشخصات نمونه آماری مورد نظر ارائه می‌شود.

جدول ۳ نشان می‌دهد که میزان پایایی مقیاس هوش هیجانی در بین دانش آموزان مقطع ابتدایی دوره دوم شهر سنندج برابر با ۰/۸۱ (معادل ۸۱/۰ درصد) است. بنابراین، پرسشنامه هوش هیجانی در بین دانش آموزان مقطع ابتدایی دوره دوم شهر سنندج در پژوهش حاضر از پایایی مناسبی برخوردار بوده است.

روش اجراء

- انتخاب تعداد نمونه آماری
- توزیع پرسشنامه‌ها
- تصحیح پرسشنامه‌ها
- وارد کردن داده در نرم افزار جهت تجزیه و تحلیل

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمارهای توصیفی

یافته ها

یافته‌های توصیفی (تک متغیره)

جدول ۵: آماره‌های توصیفی خلاقیت

متغیر و ابعاد	میانگین	انحراف استاندارد	کمینه	بیشینه
متغیر وابسته	۹۴/۸۳	۲۴/۵۵	۶۰	۱۸۰
خلاقیت				
سیالی	۲۳/۸۰	۹/۶۴	۱۵	۴۵
بسط	۲۷/۴۳	۱۱/۰۲	۱۵	۴۵
ابتکار	۱۹/۶۳	۸/۴۳	۱۵	۴۵
انعطاف	۲۳/۹۷	۹/۷۵	۱۵	۴۵

جدول ۶: آماره‌های توصیفی هوش هیجانی

متغیر و ابعاد	میانگین	انحراف استاندارد	کمینه	بیشینه
متغیر مستقل	۲۴۴/۹۴	۴۳/۶۵	۱۹۰	۴۵۰
هوش هیجانی				
درون فردی	۴۹/۹۶	۱۱/۵۳	۱۸	۹۰
بین فردی	۵۰/۳۲	۱۱/۶۸	۱۸	۹۰
سازش پذیری	۵۲/۷۶	۱۱/۹۸	۱۸	۹۰
مدیریت تنیدگی	۴۳/۱۹	۱۰/۷۱	۱۸	۹۰
خلق عمومی	۴۸/۷۱	۱۱/۱۵	۱۸	۹۰

یک توزیع نرمال، شبیه یک زنگوله به نظر برسد، بستگی به مقادیر پارامترهای (میانگین و واریانس) آن توزیع دارد. واریانس-های بزرگتر موجب توزیع تخت و پهن تر خواهد شد. موضوع نرمال بودن توزیع داده‌ها از مهم‌ترین مقولات در انتخاب نوع آمار (پارامتری یا ناپارامتری) و آزمون فرضیه‌ها می‌باشد. برای آزمون نرمال بودن توزیع داده‌ها، دو روش عددی و گرافیکی وجود دارد که هر کدام به نوعی به این امر کمک می‌کنند (حبیب پور و صفری، ۱۳۸۸: ۴۰۸). در تحقیق حاضر از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف تک نمونه‌ای استفاده شده است.

نتایج جدول ۸ نشان می‌دهد که، سطح خطای آماره کولموگروف-اسمیرنوف متغیر وابسته تحقیق «خلاقیت»، متغیر مستقل «هوش هیجانی» و متغیر میانجی «شادکامی» در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ معنی‌دار نیست، پس باید گفت که با ۰/۹۹ درصد اطمینان توزیع متغیرهای تحقیق در بین نمونه آن در جامعه نرمال می‌باشد.

همانگونه که در جدول شماره ۵ مشاهده می‌شود میانگین و انحراف استاندارد متغیر وابسته خلاقیت (۹۴/۸۷ و ۲۴/۵۵)، مولفه سیالی (۲۳/۸۰ و ۹/۶۴)، مولفه بسط (۲۷/۴۳ و ۱۱/۰۲)، مولفه ابتکار (۱۹/۶۳ و ۸/۴۳) و مولفه انعطاف (۲۳/۹۷ و ۹/۷۵) می‌باشد.

همانگونه که در جدول شماره ۶ مشاهده می‌شود میانگین و انحراف استاندارد متغیر مستقل هوش هیجانی (۲۴۴/۹۴ و ۴۳/۶۵)، مولفه درون فردی (۴۹/۹۶ و ۱۱/۵۳)، مولفه بین فردی (۵۰/۳۲ و ۱۱/۶۸)، مولفه سازش پذیری (۵۲/۷۶ و ۱۱/۹۸)، مولفه مدیریت تنیدگی (۴۳/۱۹ و ۱۰/۷۱) و مولفه خلق عمومی (۴۸/۷۱ و ۱۱/۱۵) می‌باشد.

یافته‌های استنباطی

آزمون نرمال بودن داده‌ها

فرض بر این است که داده‌ها از جامعه‌ای با توزیع گاوس انتخاب شده‌اند (حبیب پور و صفری، ۱۳۸۸: ۴۰۱). این که تا چه حد

جدول ۷: آزمون کولموگروف-اسمیرنوف تک نمونه‌ای به منظور آزمون نرمال بودن متغیرهای تحقیق

متغیر میانجی	متغیر وابسته	متغیر مستقل	متغیر وابسته
شادکامی	خلاقیت	هوش هیجانی	خلاقیت
۳۷۱	۳۷۱	۳۷۱	۳۷۱
۰/۵۷۹	۰/۴۵۳	۰/۴۴۸	۰/۴۴۸
۰/۲۱۰	۰/۲۵۱	۰/۲۷۳	۰/۲۷۳

فرضیه: «بین هوش هیجانی و خلاقیت در دانش آموزان مقطع ابتدایی شهر سنج رابطه معنادار وجود دارد».

مطابق با نتایج جدول شماره ۹ ضریب همبستگی متغیر مستقل «هوش هیجانی» بر روی متغیر وابسته «خلاقیت» برابر

با ۰/۵۹ شده است. از سوی دیگر مقدار سطح معناداری برابر با ۰/۰۰۱ شده که پایینتر از ۰/۰۵ خطاست. این بدان معناست که، متغیر مستقل تحقیق بر روی متغیر وابسته تحقیق از نظر آماری تأثیر معناداری می‌گذارد. بنابراین فرضیه جزئی (۱) تأیید می‌شود.

جدول ۸: بررسی فرضیه جزئی (۱)

نتیجه	سطح معناداری (Sig)	ضریب همبستگی	فرضیه جزئی (۱)
تایید	۰/۰۰۱	۰/۶۹	هوش هیجانی ← خلاقیت

جدول ۹: ضریب رگرسیون هوش هیجانی با خلاقیت

مدل	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد		معنی داری	R
	B	خطای استاندارد	بتا	t		
۱	۴۱/۲۶۳	۴/۵۲۰	-	۹/۱۲۸	۰/۰۰۱	۰/۶۹
	۰/۵۹۱	۰/۱۴۶	۰/۳۷۳	۴/۰۴۷	۰/۰۰۱	

متغیر وابسته: خلاقیت

در جدول بالا هوش هیجانی به عنوان تنها پیش بین متغیر خلاقیت به کار رفته است. همان طور که مندرجات جدول ۹ نشان می‌دهند، ضریب مسیر هوش هیجانی با خلاقیت در سطح ۰/۰۰۱ معنی دار می‌باشد.

بحث و نتیجه گیری

بین هوش هیجانی و خلاقیت در دانش آموزان مقطع ابتدایی شهر سنج رابطه معنادار وجود دارد.

نتایج ضریب همبستگی نشان داد که بین هوش هیجانی با خلاقیت در دانش آموزان مقطع ابتدایی شهر سنج رابطه معنادار وجود دارد و این یافته با نتایج پژوهش آهنگی قربانی، عطادخت، میکائیلی، حاجلو (۱۴۰۰)، دهقانی، افشین، حسینی، سعیدی (۱۳۹۸) و ملکی (۱۳۹۴) همخوانی دارد.

هرچند که بر اساس مطالعات همبستگی نمی‌توان مکانیزم‌های زیربنایی ارتباط بین هوش هیجانی با خلاقیت را به طور دقیق تبیین کرد، اما به نظر می‌رسد هر یک از جنبه‌های هوش هیجانی به گونه‌ای بر خلاقیت تأثیر می‌گذارند. جنبه استفاده از هیجان‌ها توانایی کاربرد هیجان‌ها برای تسهیل تفکر خلاق را نشان می‌دهد. برخی از افراد فعالیت‌ها را در شرایط هیجانی معینی بهتر انجام می‌دهند. بنابراین هیجان بر نظام شناختی آنها تأثیر گذاشته و آن را تغییر می‌دهد. این تغییرات فرد را می‌دارد تا مسائل را از جنبه‌های مختلف ببیند و در مورد یک مسئله عمیق‌تر و خلاقانه‌تر بیندیشد. جنبه نظم‌دهی به هیجان بیانگر توانایی فرد در کاهش هیجان‌های منفی یا حفظ

هیجان‌های مثبت است و پژوهش‌ها نشان داده‌اند که خلق مثبت با افزایش انعطاف‌پذیری و گسترش تفکر می‌تواند باعث افزایش خلاقیت شود (Ivkovic et al, 2007). در واقع دلیل رابطه بین اختلال‌های خلقی و خلاقیت در تجربه هیجان‌های مثبت قوی یا حالت‌های آشفتگی خفیف است. خلق مثبت و حالت‌های خلقی کم آشفتگی می‌توانند آگاهی و عرصه انعطاف‌پذیری تفکر را افزایش دهند. افرادی که در یک حالت خلقی مثبت هستند نسبت به افرادی که خلق منفی دارند یا در حالت خلق خنثی قرار دارند، کلمه‌های بدیع بیشتری را تولید و در آزمون‌های موفقیت بهتر و موفقتر عمل می‌کنند. پس به طور کلی جنبه نظم‌دهی به هیجان با کنترل هیجان‌های منفی و افزایش خلق مثبت باعث افزایش خلاقیت می‌شود. جنبه ادراک و بیان هیجان که جنبه‌های مختلف هیجان را ادراک و شناسایی می‌کند باعث ادراک روشن فرد در بافت هیجانی می‌شود و بنابراین خلاقیت را افزایش می‌دهد.

علی بیگی (۱۳۸۸) نیز در پژوهش خود نشان داد که بین مولفه خودانگیختگی با خودکارآمدی مدیران رابطه وجود دارد. لذا در سطح عملی و به ویژه آموزشی، تهیه و اجرای برنامه‌های آموزشی مهارت‌های هیجانی متناسب با هر دو جنس، به چهارچوب برنامه‌های مداخله‌ای موجود در زمینه نظم‌دهی به خلق اضافه شده و بر تأثیر آنها بی‌فزاید. در سطح نظری، یافته‌های پژوهش حاضر می‌توانند از یک سو نظریه‌های کنونی مربوط به خلاقیت و هوش هیجانی را از جهاتی تأیید کنند و از سوی دیگر پرسش‌ها و فرضیه‌های جدیدی را در مورد رابطه

ابعاد هوش هیجانی و خلاقیت مطرح کنند.

ملکی، ح. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین هوش هیجانی و خلاقیت در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه. *پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۱۰ (۳۳)، ۱۹۰-۲۰۹.

موازین اخلاقی

در این مطالعه اصول اخلاق در پژوهش شامل اخذ رضایت آگاهانه از شرکت‌کنندگان و حفظ اطلاعات محرمانه آنها رعایت گردیده است.

تشکر و قدردانی

پژوهشگران مراتب قدردانی و تشکر خود را از کلیه شرکت‌کنندگان این پژوهش که با استقبال و بردباری، در روند استخراج نتایج همکاری نمودند، اعلام می‌دارند.

تعارض منافع

نویسندگان این مطالعه هیچ گونه تعارض منافی در انجام و نگارش آن ندارند.

منابع فارسی

- آهنگی قربانی، ز.، عطادخت، ا.، میکائیلی، ن.، و حاجلو، ن. (۱۴۰۰). رابطه خلاقیت و هوش هیجانی با میانجی‌گری شوخ‌طبعی در نوجوانان. *رویش روان‌شناسی*، ۱۰ (۱۲)، ۲۷۴-۲۸۲.
- بار-آن، ر. (۱۳۸۶). هوش هیجانی: نظریه و عمل (ترجمه حمیدرضا بلوچ). تهران: انتشارات دانژه.
- حبیب‌پور، ک.، و صفری، ر. (۱۳۸۸). راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی. تهران: انتشارات لویه.
- دهقانی، ی.، افشین، س.ع.، حسینی، ف.، و سعیدی، م. (۱۳۹۸). نقش میانجی خودکارآمدی تحصیلی در رابطه بین هوش هیجانی و خلاقیت با انگیزش پیشرفت. *مجله روان‌شناسی مدرسه، ۸ (۲)، ۴۲-۲۲.
- ذاکری دهنوی‌نژاد، م. (۱۳۸۸). هوش هیجانی و نقش آن در موفقیت تحصیلی. فصلنامه روان‌شناسی کاربردی، ۳ (۱۱)، ۸۷-۱۰۲.
- سموعی، ر. (۱۳۸۰). هنجاریابی پرسشنامه هوش هیجانی بار-آن در ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- سیادت، س.ع. (۱۳۸۴). روان‌شناسی هوش هیجانی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شفیع‌آبادی، ع.، و ناصری، غ. (۱۳۷۷). نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- عابدی، ج. (۱۳۷۲). ساخت و اعتباریابی پرسشنامه سنجش خلاقیت. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تهران.
- علی‌بیگی، ا. (۱۳۸۸). رابطه هوش هیجانی و خلاقیت با عملکرد مدیران آموزشی. *مجله روان‌شناسی تربیتی*، ۵ (۱۵)، ۴۵-۶۰.
- کلمن، د. (۱۳۸۹). هوش هیجانی: چرا مهم‌تر از IQ است؟ (ترجمه نسرین پارسا). تهران: انتشارات رشد.

فهرست منابع

- Abedi, J. (1993). Construction and validation of a creativity assessment questionnaire. Doctoral dissertation, University of Tehran.
- Ahangi Ghorbani, Z., Atadokht, A., Mikaeli, N., & Hajloo, N. (2021). The relationship between creativity and emotional intelligence with the mediation of humor in adolescents. *Ravanshenasi-ye Ruyesh*, 10 (12), 274-282.
- Ali Beigi, A. (2009). The relationship between emotional intelligence and creativity with the performance of educational managers. *Journal of Educational Psychology*, 5 (15), 45-60.
- Bar-On, R. (2007). Emotional intelligence: Theory and practice (H. R. Baluch, Trans.). Tehran: Danjeh Publications.
- Dehghani, Y., Afshin, S. A., Hosseini, F., & Saeedi, M. (2019). The mediating role of academic self-efficacy in the relationship between emotional intelligence and creativity with achievement motivation. *Journal of School Psychology*, 8 (2), 22-42.
- Gallardo, M., Hermawan, A., & Siswanto, B. (2020). How does emotional intelligence predict happiness, optimism, and pessimism in adolescence? A two-factor model analysis. *Journal of Adolescent Psychology*, 38 (2), 201-215.
- Goleman, D. (2010). Emotional intelligence: Why it can matter more than IQ? (N. Parsa, Trans.). Tehran: Roshd Publications.*
- Goleman, D., Boyatzis, R., & McKee, A. (2002). Primal leadership: Realizing the power of emotional intelligence. Harvard Business Press.
- Habibpour, K., & Safari, R. (2009). Comprehensive guide to using SPSS in survey research. Tehran: Louyeh Publications.
- Ivkovic, M., et al. (2007). The role of emotional regulation in creativity. *Creativity Research Journal*, 19 (4), 345-360.
- Maleki, H. (2015). The relationship between emotional intelligence and creativity among high school students. *Research in Educational Systems*, 10 (33), 190-209.

- Zakeri Dehvastani Nejad, M. (2009). Emotional intelligence and its role in academic success. *Applied Psychology Quarterly*, 3 (11), 87-102.
- Zinn, M. (2022). Emotional intelligence: The mediating role of employee attitudes between creativity and emotional intelligence. *Journal of Applied Psychology*, 45 (3), 112-125.
- Salovey, P., & Mayer, J. D. (1990). Emotional intelligence. *Imagination, Cognition, and Personality*, 9 (3), 185-211.
- Samoei, R. (2001). Standardization of the Bar-On Emotional Intelligence Questionnaire in Iran. Master's thesis, Allameh Tabataba'i University.
- Shafiabadi, A., & Naseri, G. (1998). *Counseling and psychotherapy theories*. Tehran: University of Tehran Press.
- Siyadat, S. A. (2005). *Psychology of emotional intelligence*. Tehran: University of Tehran Press.